

به پیش!

سیاسی - خبری

یکشنبه ۲۲ خرداد ۱۳۸۴، ۱۲ ژوئن ۲۰۰۵

اتحاد سوسیالیستی کارگری

شماره ۳

هر دو هفته يك بار منتشر میشود

پیشرویه‌های جنبش کارگری ایران در یکسال گذشته

رضا مقدم

جنبش کارگری ایران در یکساله گذشته پیشرفتهای اساسی کرده است که من به اختصار به ۶ وجه آن اشاره میکنم که عبارتند از واقعه خاتون آباد، ادغام جنبش کارگری ایران در جنبش کارگری جهانی، نزول شوراهای اسلامی، دو اول ماه مه گذشته، فعالیت برای ایجاد تشکل کارگری و همچنین به جلوی صحنه آمدن فعالین جنبش کارگری. اما قبل از هر چیز باید تاکید کنم که ادامه پیشرویه‌های طبقه کارگر و بویژه حضور متشکل آن در جامعه به گسترش ایده‌های سوسیالیستی و چپ کمک خواهد کرد و برای برون رفت از معضلاتی که گریبانگیر جامعه است، راه نوینی را خواهد گشود.

کشتار خاتون آباد

باید حتما یادآوری کنم که حدود سه ماه قبل از اول ماه مه سال ۱۳۸۳، یعنی در چهارم بهمن ۱۳۸۲، نیروهای انتظامی به تحصن کارگران مس خاتون آباد کرمان حمله کردند و ۴ نفر را کشتند و بسیاری را زخمی کردند. خیلی طبیعی بود که این واقعه بتواند جو ارباب را در جنبش کارگری بوجود بیاورد اما نتوانست.

صفحه ۶

می شود، ندارد. به این اعتبار رژیم اسلامی ناگزیر است امکان دستیابی طبقه صاحب سرمایه ایران را به قدرت دولتی فراهم آورد و برابری سیاسی و حقوقی همه آنها را برای استفاده از ابزارهای دولتی برسمیت بشناسد. از لاپلای تمامی صف بندیهای جدید، هم در جنبش اصلاحات سیاسی و هم در حاکمیت رژیم اسلامی، همین این اهداف صاحبان صنایع و سرمایه است که دارد متحقق می شود. از درك این اوضاع فقط آن نیروهایی عاجزند که جبهه دوم خرداد را تنها نماینده جنبش اصلاحات سیاسی در حاکمیت می دانستند که خود جبهه دوم خرداد نیز که چنین تلقی از خویش داشت از زمره آنهاست.

هیچ يك از اهداف و مطالبات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی طبقه کارگر ایران از طریق کارکرد انتخابات های رژیم اسلامی متحقق نخواهد شد. کارگران ایران باید فقط متشکل شوند. در این راه شناخت از صف بندیهای جدید اهمیت می یابد. کارگران ایران هیچ نفعی برای شرکت در انتخابات های رژیم اسلامی ندارند که شرط و شروطی برایش داشته باشند. از نظر کارگران انتخابات های رژیم اسلامی حتی ارزش تحریم ندارد.*

کمیته اجرایی اتحاد
سوسیالیستی
کارگری
خرداد ۱۳۸۴

انتخاباتی که نیاز به تحریم ندارد

غیر قابل پیش بینی ترین انتخابات ریاست جمهوری رژیم اسلامی در دل بی تفاوتی گسترده مردم ایران در راه است. این انتخابات به سرعت قوام گرفتن گروه بندیهای جدید سیاست ایران که از قبل در حال شکل گیری بود، افزوده است. تاثیرات این صف بندیهای جدید بر وجوه مختلف مبارزات طبقه کارگر ایران، تنها موضوع مورد اهمیت در پروسه این انتخابات است. از جمله صف بندیهای جدید، دو نیمه شدن جنبش اصلاحات سیاسی در داخل و خارج کشور به موافقان شرکت در انتخابات و تحریم کنندگان آن است. این تحریم کنندگان هیچ مخالفتی با اهداف جنبش اصلاحات سیاسی ندارند. بنیاد سیاست تحریم و تمامی به اصطلاح "رادیکالیسم" اینها بر روش دیگری برای به پیروزی رساندن جنبش اصلاحات قرار دارد که کل این جنبش از اساس و بنیاد علیه منافع طبقه کارگر است.

رژیم اسلامی برای بقا باید بر طبقه سرمایه دار ایران متکی شود و هیچ گریزی جز گردن گذاشتن به خواستهای این طبقه که توسط جنبش اصلاحات سیاسی نمایندگی

پیش بسوی ایجاد تشکلهای کارگری به نیروی خود کارگران!

مزد برابر در ازاء کار برابر برای زن و مرد

سیما افروز

در جوامع سرمایه داری امروزه میلیونها زن و مرد کارگر در کارخانه ها، کارگاها، مزارع و صنایع خانگی

سود سرمایه می آفرینند. یکی از شاخصهای مهم این بردگی مزدی تقسیم کار بین مرد و زن و نابرابری دستمزد بین آنها است. کار فرمایان استخدام کارگران زن را در

نامناسب کار راحتتر تمکین می نمایند و با مزد کمتر از مردان کار میکنند. با هر پیشرفتی در صنعت و تکنولوژی از نیروی زنان کارگر برای سود آوری سرمایه بیشتر استفاده شده و در اغلب مواقع از وجودشان علیه کارگران مرد که مزد بیشتری به آنها تعلق می گیرد استفاده میشود.

صفحه ۸

گرایش راست جنبش کارگری در سطح جهانی مدتهاست که امتحان خود را پس داده است!

بهزاد بارخدایی

مبارزه برای قانون کار در دهه گذشته در غرب به شکل فعالتری در دستورکار فعالین کارگری قرار گرفته است. حمله افسار گسیخته بورژوازی به حقوق کارگری و تحمل نکردن حداقل آزادی و امنیت کاری و اجتماعی بطور مستمر در دستور کار اتحادیه کارفرمایان و دولتها است. در مقابل فعالین کارگری مجبور به مبارزه برای حفظ آن حداقل حقوق کارگری که طی سالها با چنگ و دندان کسب شده، هستند. تهیه یک قانون کار که منافع کارگران از آن حذف نشده باشد یکی از مشغله های فعالین چپ و رادیکال جنبش کارگری بوده و هست.

در دوره گذشته فعالین کارگری چپ در اروپا

کوشیدند به اشکال مختلف برای حفظ حقوق کارگران در حد توان خود متحدانه پیش روند. متأسفانه در نبود سازمانهای سراسری در سطح جهانی این مبارزات در سطوح پراکنده، کم تاثیرتر و با مشکلات فراوانی از طرف فعالین چپ جنبش کارگری پیش رفته است. فعالین کارگری رهبران بسیاری از اتحادیه ها در غرب با سنتها و سیاستهای مبارزاتی معمول اتحادیه ای و سندیکایی نتوانستند پیگیرانه در مقابل حمله های سرمایه به حقوق کارگری بایستند و در مواردی ساکت و غایب در صحنه مبارزه بوده اند.

اما در سطح کلوبها و سازمانهای محلی و کارخانه ها اعتراضات جدی تری علیه سرمایه داران و سیاستهای سوسیال دمکراسی

بسیاری موارد به کارگران مرد ترجیح میدهند (بشرطی که مخارج مرخصی زایمان و شیرخوارگاه و مهد کودک و ... را نداشته باشد)، عملاً و آگاهانه با مشاهده یک سری ویژگیها در کارگران زن به این تمایز بین کارگران زن و مرد دامن میزنند. آنها کارگران زن را از آن جهت ترجیح میدهند که منظم تر هستند و احتمالاً به شرایط

در جریان بوده است. این مبارزات در عمل توانسته حملات بورژوازی به سطح معیشت کارگران و بازپس گیری حقوق کارگری را محدود و در سطوحی سد کند.

رهبران راست اتحادیه ها در این دوره ها نیز فعالانه برای به سکوت واداشتن کارگران و ایجاد جو آرامش مشغول کار بوده و بعنوان مبلغین در کلوبها و لوکالهای اتحادیه، کارگران را به پذیرش شرایط سختتر و حقوق کمتر فرامیخوانند و در اقل آنها به اینکه تولید بیشتر، قدرت مانور را در بازار جهانی بهتر کرده و میتواند درصدی افزایش حقوق با خود به همراه آورد، میکوشند. این چنین فعالین رفرمیست و سوسیال دمکرات درون طبقه چیزی بیشتر از خادمین سرمایه نیستند. آنها مبلغ آشتی و

صلح طبقاتی اند و استراتژیهایشان تولید بیشتر برای قوی کردن صاحبان سرمایه "خودی" در مقابل دیگر رقبا است.

اینچنین فعالین کارگری برای خود نقش بیشتری بجز خدمت گزاری در مقابل سرمایه قائل نیستند. آنها پذیرفته اند که پیشروی و رشد سرمایه به نفع خودشان نیز هست و در کل منافع خود را در راستای منافع صاحبان سرمایه می بینند. آنها تشکلهای و دفاتر کارگری را اشغال کرده اند، و در این مکان و جایگاه سدی در مقابل اعتراضات کارگری شده اند. این دسته در نهایت امضا کنندگان قراردادهای دسته جمعی ای هستند که منافع کارگران اگر در آن فراموش نشده باشد، در بهترین حالت، حداقل ناچیزی بیش نیست. صفحه ۱۰

به پیش!

Postfach 940166
60459 Frankfurt
Germany

bepish@hotmail.fr

به پیش! زیر نظر شورای نویسندگان و ویراستاران منتشر میشود. مسئولیت هر مطلب درج شده بر عهده نویسنده آن است. نظرات جمعی شورا در سرمقاله یا مقالاتی با امضای به پیش منعکس میگردد. شورا در رد یا پذیرش و نیز در کوتاه کردن و ویرایش هر نوشته رسیده آزاد است و تصمیمات خود را به اطلاع فرستنده آن میرساند

اول ماه مه سقز و راه حل آمریکایی مسئله کرد

علی خدری

در اول ماه مه امسال کارگران و نیروهای چپ و رادیکال مراسم خانه کارگر در استادیوم ۱۲ هزار نفره را بهم ریختند و در سقز نیز مراسم آنها را بدست گرفتند. فعالین و رهبران کارگری در سقز با شعار و پرچم قرمز خود به سالن کاوه رفتند، نمایندگان خانه کارگر را هو کردند و محمود صالحی با رساترین کلمات و در کوتاه ترین مدت مواضع سوسیالیستهای کارگری را در زمینه‌های مختلف بیان کرد. او با اینکار عرق از صورت و جوارح نمایندگان دولت، کارفرماها و خانه کارگری‌ها جاری ساخت و با نفی هرگونه تشکل دولت ساخته، کارگران را به ایجاد تشکلهای مستقل خود فراخواند. تاکتیک کارگران در تهران و سقز برای سوسیالیستهای انقلابی

دنباله از صفحه ۱۱

هراس و ترس؟ هدف این است

تحویل گرفتن زندانیان لیاقت خود را نشان داده است. " متد و مدل السالدور را به عراق صادر می‌کنند. و تنها

و رادیکالی که سالها خواستار تحریم مراسم رژیم و خانه کارگر و برگزاری مراسم مستقل بودند این درس مهم را داشت که گاه میتوان و لازم است بدخل مراسمهای اینها رفت و آنرا یا بدست گرفت و یا بهمش ریخت. علیه تاکتیک درست کارگران در سقز بعضی اظهار نظرها شده است. در این اظهار نظرها برای ما کارگران و روز جهانیان مقدار اشک تمساح ریخته شده است. دسته‌ای عصبانی هستند، زیرا آن تاکتیک سبب شد تا فرقه‌شان نتواند خود را در گوشه ای از مراسم جا کند و خونی ببدن سازمانشان برساند که حال و اوضاع خوبی ندارد. جلال حسینی و محمد عبدی پور جواب این جماعت را داده‌اند. جواب آنها ساده و روشن بود. گفتند که بر اساس وضعیت موجود تشخیص دادند که میتوانند

مناسب ترین سرچشمه دلیل علاقه مندی به متد شکنجه را شما می‌توانید از آخرین و غیر معمولی ترین شاهد زنده و به کاربرنده آن لیندا انگلند، که سپر بلای زندان ابوغریب شده است، بشنوید. که به طور ناخود آگاه در مقابل این سنوال که چرا شما و همکاران شما از زندانیان

بروند و جلسه را فتح کنند و اینکار را هم کردند. دستشان درد نکند. اما در این میان آن جریانات و کسانی که در سایت بروسکه علیه مراسم اول ماه سقز مطلب می نویسند رنجشان از نوع دیگری است. اینها چند مقاله بی نام و با نام پخش کرده و از زاویه به اصطلاح منافع کارگری اظهار نظرهایی کرده اند. اما ما میدانیم و خودشان نیز بهتر واقفند که دردمان کارگر و اول ماه مه و اینکه چگونه برگزار شده نیست. آنها سالهاست میکوشند تا لباس دفاع از کارگر را دور بیاندازند که روزگاری به تن داشتند. آنها سخت کوشیده‌اند به دولتها و کسان مورد نظرشان بقبولانند که در این کار صادقند. پس درد اینها چیست؟ دردمان اینست که محمود صالحی سیاستهای دولت آمریکا در منطقه و آتش محافروزیهای

زنده مجسمه ساختید؟ می‌گوید: **برای این که آنها را کنترل کنیم.** دقیقاً. چون که شکنجه بعنوان یک وسیله در بازجویی بی ارزش است. اما در مورد بهترین وسیله کنترل اجتماعی، هیچ چیزی نمی‌تواند جای شکنجه را بگیرد و با آن رقابت کند.

آنها محکوم کرده است. آنها در رنجند که چرا مود صالحی علیه راه حل آمریکایی مسئله ایران و کردستان سخنرانی کرده است.

سخنرانی محمود صالحی احزاب و سازمانهای ایرانی که وعده و وعیدهایی مانند طالبانی و بارزانی درباره کردستان ایران به آمریکا می دهند را عصبانی کرده است. چرا که دیگر نمی‌توانند خود را بعنوان نماینده و صاحب جنبش در کردستان به آمریکایی‌ها معرفی کنند. موضعگیری ضد آمریکایی از طرف یکی از رهبران رادیکال جنبش کارگری ایران که در جنبش کارگری جهانی شناخته شده است فعالیت چند ساله طرفداران راه حل آمریکایی کرد را خدشه‌دار کرده است. خشم این حضرات از اینجاست و نه چگونگی برگزاری مراسم روز کارگر سقز.

لندن

۲۹ ماه مه ۲۰۰۵

ننومی کلاین . منتشره در

The nation

ترجمه به سوئدی از تور ونربرگ : انتشار یافته در آفتون بلادت به تاریخ

۲۰۰۵-۵-۱۴

برگردان به فارسی

حمید قربانی ۶-۷-

۲۰۰۵

کارگر امروز

از سایت کارگر امروز دیدن کنید.

www.workertoday.com

Editor: Iraj Azarin
editorbaroo@yahoo.se

سردبیر: ایرج آذرین

هیات تحریریه: احسان کاوه
رضا مقدم، سودابه مهاجر

www.wsu-iran.org

هراس و ترس؟ هدف این است

نئومی کلاین در باره شکنجه و هنر کنترل کردن انسانها

دهها نفر از دستگیر شدگان در مورد تهدیدها، اذیت و آزار و بازرسیهای ناشایست منازل صحبت کند و مدارک معتبری را جمع آوری نماید. اما، آزار گفت، " که حتی یکی از این شکایتها تا کنون علنا و در دادگاه و در ملا عام مطرح نشده است. ترس و وحشت آنها را واداشته است که این کار را نکنند. " وحشت این که ممکن است ماهر آزار آینده شوند.

هراس و وحشت امروزه در بین مسلمانان مقیم ایالات متحده آمریکا، از همه جا بیشتر است، آن جا قانون میهن پرستانه به پلیس و دیگر مقامات امنیتی و انتظامی اجازه بازرسی از مساجد، مدارس، کتابخانه های عمومی و یا انجمنهایی که کمترین مشکوکیت ارتباط با تروریستها را دارند، داده است. هنگامی که این نگرانیها و نظارتها شدید را با شکنجه و احتمال شکنجههایی که زندانیان از زندان آزاد شده تعریف می کنند را جمع نمایم، مفهوم پیام خیلی روشن می شود: ما شما را به طور دقیقی تحت نظر داریم، همسایه های شما اعمال شما را کنترل و به ما گزارش می کنند، دولت می تواند همه چیز شما را تحقیق کرده و بداند، اگر مرتکب کوچک ترین اشتباهی شوی با یک هواپیما، تو را به سوریه می بریم

صفحه ۱۱

میروند تا در سطح سراسری شناخته شوند. قبل از اول ماه مه ۱۳۸۳ ما فاقد این لیست بودیم. *

باعث شدند آزار در سلولی گرفتار شود که همراهانش موشها و عقربها باشند. اگر چنین مسئله ای در مورد آزار که یک طراح، انسانی ملایم و پراحساس و پدر خانواده است، توانست به وقوع بیه پیوندند آیا کسی می تواند احساس اطمینان و امنیت کند؟ در یکی از نادر صحبت‌های



لیندا انگلند یک زندانی را در زندان ابو غریب شکنجه می کند. عکس: آپی

گران قیمت خود، آزار به طور مستقیم در باره آن وحشت و هراس صحبت می کند. او برای شنوندگان تعریف کرد که یک وکیل بی طرف مشغول جمع آوری مدارک بر علیه پلیس و مقامات دادگستری است که به طور غیرقانونی و بی قاعده با مشکوکین مسلمان کانادایی رفتار می کنند. وکیل تا کنون توانسته با

بسیاری در خود ایران نیز داشته است. امروز همه یک لیست از اسامی فعالین جنبش کارگری در ایران دارند که

می گیرد. جمعیت حاضر در این مراسم، قدردانی قلبی خود را نثار او می کند. اما در میان کسانی که در این مراسم ارج نهادن، شرکت کرده بودند، ترس از سرنوشتی چون آزار کاملا هویدا بود. خیلی از رهبران محلی از نزدیک شدن به آزار پرهیز می کردند، و خیلی با احتیاط در باره او حرف می زدند و در دست

مقاله زیر که نویسنده آن نئومی کلاین روزنامه نگار و نویسنده چپ کانادایی است، به سوئدی ترجمه و در روزنامه آفتون بلاد در تاریخ ۱۴-۵-۲۰۰۵ به چاپ رسیده است. این نوشته هدف اصلی شکنجه را که تولید ترس و وحشت در جامعه است بیان می کند.

حمید قربانی

۲۰۰۵-۶-۷

نئومی کلاین

اخیرا من موفق شدم در رابطه با فعالیت هایی که در پشتیبانی از ماهر آزار ترتیب داده شده بود، یک گوشه از اثرات مستقیم شکنجه بر انسان را درک کنم. این انسان کانادایی متولد شده در سوریه یکی از معروفترین قربانیان "تحویل دادن" است، این پروسه از این جا شروع می شود که کارمندان آمریکایی شکنجه را اتوماتیک وار به کشورهای خارجی صادر می کنند. آزار در حال مسافرت بوده، که در فرودگاه نیویورک بوسیله رهبر بازرسان آمریکایی مورد بازجویی قرار می گیرد و بعد از آن به دولت سوریه تحویل داده می شود. او در سوریه به مدت ۱۰ ماه در یک سلول انفرادی که کمی از یک قبر بزرگتر بوده زندانی شده و فقط زمانی که می خواستند او را تحت شکنجه و کتک قرار دهند، از سلول به بیرون آورده می شد. آزار به خاطر استقامت و شجاعتی که نشان داده بود، از طرف سازمان ارتباطات اسلامی در کانادا که یک سازمان از نظر سیاسی میانه است، مورد تقدیر قرار

دنباله از صفحه ۷

طی این مدت، فعالینی از جنبش کارگری ایران و به

کمک اینترنت در اتاقهای پالتالک در خارج کشور سخنرانی کرده اند. البته این سخنرانیها شنونده های

کارگران اخراجی کارخانه شاهو در سنندج بسر کار خود باز میگردند

کارگران اخراجی کارخانه ریسندگی شاهو بدنبال اعتراضات پی در پی شان موفق شدند که برای بازگشت بر سر کار و دریافت حقوق دورانی که به کارخانه راه نداشتند، از اداره کار سنندج تعهد بگیرند.

در ابتدای سال جاری پنجاه و پنج کارگر با سابقه که سالهای درازی تحت شرایط دشوار، در معرض خطر مواد شیمیایی و سر و صدای ماشینها در این کارخانه بکار اشتغال داشتند، از کار اخراج شدند؛ در حالی که مطابق قانون کار فعلی نیز کارگرانی که در شرایط سخت و زیان آور کار کرده اند، با بیست سال سابقه کار میتوانند که از حق بازنشستگی استفاده کنند.

سی کارگر اخراجی این کارخانه که بین ۲۲ تا ۲۷ سال سابقه کار دارند، اعتراض خود به این اوضاع ناهنجار را با نوشتن نامه‌هایی به اداره کار سنندج،

وزارت کار و دیوان عدالت اداری کشور آغاز نمودند. اما در پاسخ، یا با سکوت یا با جانبداری این نهادها از کارفرمای کارخانه روبرو شدند.

این کارگران سرانجام با ارسال نامه ای به کنفدراسیون اتحادیه های آزاد کارگری و دبیر کل سازمان جهانی کار خواستار حمایت نهادهای کارگری در سطح بین المللی از خواستهای خود مبنی بر بازگشت به کار و توقف اخراجها، دریافت کلیه مزایای قانونی از جمله حق بازنشستگی، قطع فشار به کارگران شاغل برای امضای قرارداد موقت، رسمی شدن کارگران قراردادی، و حقوق و مزایای برابر برای کارگران موقت و رسمی، گردیدند؛ در همانحال اعتراضات خود را در اشکال مختلف دیگر ادامه دادند، از جمله روز ۳ خرداد در تهران در مقابل مجلس شورای اسلامی اقدام به تحصن کردند

اما با حمله نیروهای انتظامی و لباس شخصی ها مواجهه و پراکنده شدند.

روز ۷ خرداد بیست و هشت نفر از این کارگران معترض به همراه خانواده های خود و شماری از مردم سنندج و سقز از جمله محمود صالحی و جلال حسینی (از فعالین دستگیرشده اول ماه مه ۱۳۸۳ در سقز) در مقابل اداره کار سنندج اجتماع نمودند. در حالیکه مردم پشتیبان خیابان را بسته بودند تا مانع دخالت نیروهای انتظامی شوند، مدیر کل اداره کار کارگران اخراجی را برای مذاکره به درون اداره دعوت نمود.

پس از مذاکرات فشرده ای، هیئت نمایندگی دولتی با یکی از خواستهای کارگران اخراجی مبنی بر بازگشت بر سر کار و دریافت حقوق ایامی که از ورود به کارخانه منع شده بودند، موافقت کرد و کتبا متعهد به اجرای مفاد

این توافق گردید. کارگران معترض یاد آور شدند که سامان مبارزاتی خود را تا اجرای تعهدات هیئت دولتی در مورد توافق حفظ خواهند کرد. آنان پس از خروج از اداره کار با استقبال گرم مردم گرد آمده در محل مواجه شدند. محمود صالحی در این جمع بر ضرورت ایجاد تشکل طبقاتی کارگران برای پاسداری از دستاورد کنونی و نیز دفاع از تمامی حقوق خود در آینده تاکید نمود.

نهادهای کارگری نیز به حمایت از کارگران اخراجی و معترض شاهو برخاستند، از جمله کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری در اعلامیه ای از کلیه خواستهای کارگران اخراجی کارخانه شاهو مندرج در نامه آنان خطاب به کنفدراسیون اتحادیه های آزاد کارگری پشتیبانی نمود. *

منبع خبری: انجمن کارگری جمال چراغ ویسی

پناهندگی مندرج در کنواسیون ۱۹۵۱ را از ما سلب می کند!
۲- انتقال سریع وبدون قید وشرط به کشورهای پناهنده پذیر
۳- تا زمان انتقال، پرداخت کمکهای مستمر مالی و پزشکی مکفی.

ما پناهجویان همه احزاب، سازمانهای سیاسی، ومدافعان حقوق پناهندگی، ونهادهای مدافع حقوق انسان ومردم آزادیخواه را به حمایت از خواسته های برحقمان فرا میخوانیم وخودرا شایسته وسیعتترین پشتیبانی پیگیر از جانب آنها میدانیم.*

۶-۶-۲۰۰۵

شرایط که بر ما تحمیل شده راهی جز اعتراض برای رسیدن به حقوق انسانیمان وجود ندارد. لذا ما پناهجویان موسوم به کیسهای شمال عراقی مستقر در شهروان ترکیه تا تامین مطالباتمان هر روز از تاریخ ۶-۶-۲۰۰۵ ساعت ۸-۳۰ تا ۵ عصر پایان وقت اداری در مقابل دفتر کمیساریای عالی پناهندگان در این شهر همراه با تجمع اعتراضی دیگر پناهجویان شمال عراقی در شهرانکارا تجمع اعتراضی خواهیم کرد.

مطالبات ما به قرار زیر میباشد:

۱- لغو تمام توافقاتنامه ها وقرار های که حقوق

در این راه بارها از طرف این رژیم مورد ترور و تهدید قرار گرفته ایم، با این وصف وبه امید مساعدت وهمیاری کمیساریای عالی پناهندگان جهت اسکان دهی در کشورثالث امن مدت نزدیک چهار سال است که در ترکیه در انتظار نگه داشته شده ایم، اما در این مدت کمیساریای عالی پناهندگان نه تنها به مفاد مندرج در کنواسیون ۱۹۵۱مختص به حقوق پناهندگان عمل نکرده بلکه عدم مسنولیت ولا قیدی خود را در خصوص سر نوشت ما آشکارا به نماش گذاشته وخود به سدی در مقابل رسیدن به خواسته هایمان تبدیل شده است با وجود این

اطلاعیه پناهجویان شمال عراق در شهر وان ترکیه

ما پناهجویان کرد ایرانی (شمال عراقی) از اواخر سال ۲۰۰۱ به قصد خلاصی از نا امنی وشرایط رقت بار واینده تاریک وناملوم زندگیمان در عراق با تحمل مشقات فراوان وارد ترکیه شده وخود را به کمیساریای عالی پناهندگان دفتر ترکیه معرفی کرده ایم.

ما مدتهای مدید عضو احزاب وسازمانهای سیاسی ایران بوده و در صفوف این احزاب وسازمانها بر علیه نظام مستبد حاکم بر ایران مبارزه کرده و

پیشرویهای جنبش کارگری ایران در یکسال گذشته

البته الان که به واکنش اعتراضی فوری فعالین کارگری به کشتار کارگران خاتون آباد در داخل و خارج کشور و همچنین فراخوان به يك اعتصاب ۱۰ دقیقه ای در داخل کشور نگاه می کنیم شاید میشد نشانه هایی از ورود جنبش کارگری ایران به دوران جدید را مشاهده کرد. ادامه فراخوان به اعتصاب ۱۰ دقیقه ای به کارگران ایران بمناسبت سالگرد کشتار خاتون آباد، سخنرانی ها و آکسیونهایی که به همین مناسبت هر سال برگزار میشود میرود تا مراسم این روز را از سالگرد کشتار کارگران خاتون آباد فراتر ببرد و به روزی برای گرامیداشت همه جانباختگان جنبش کارگری ایران که بیشمارند تبدیل کند.

ادغام در جنبش کارگری جهانی

سه ماه بعد از کشتار خاتون آباد، اول ماه مه سقز در سال ۱۳۸۳ ورود جنبش کارگری ایران را به دوران جدید کاملا آشکار ساخت.

خانه کارگر و شوراهای اسلامی هیچگاه پایگاهی در میان طبقه کارگر ایران نداشتند. اینها هنگامی که متوجه شدند که دیگر کل رژیم اسلامی نیز در حمایت از آنها يك دست و یکپارچه نیست، برای یافتن حامیانی در جنبش کارگری جهانی از نمایندگان کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد کارگری

دعوت کردند تا در تهران شاهد تظاهرات روز ۱۱ اردیبهشت و پایگاه آنها در میان کارگران باشند. اما دو روز قبل از اول ماه مه سال ۸۳، محمود صالحی با نمایندگان این کنفدراسیون در تهران دیدار کرد و اوضاع جنبش کارگری ایران را بسیار متفاوت با آنچه که خانه کارگری ها به این هیات نشان داده بودند، توضیح داد. از جمله آنها را از شرکت در مراسم دولتی خانه کارگر برحذر داشت و دعوتشان کرد تا همراه وی به یکی از مراسم غیر دولتی روز کارگر بروند. ترتیب دیدار محمود صالحی با نمایندگان کنفدراسیون در تهران متکی بود بر تجارب و ارتباطات بیش از دو دهه فعالین جنبش کارگری ایران در خارج کشور. این دیدار هم برای فعالین کارگری خارج کشور و هم برای نمایندگان کنفدراسیون مهم بود. از جنبه تحکیم ارتباط فعالین کارگری خارج کشور با کنفدراسیون بسیار حیاتی بود که محمود صالحی با این هیات دیدار کند، چرا که ۴ سال قبل با تلاش همین ها، کنفدراسیون به زندانی شدن محمود صالحی اعتراض کرده بود؛ و برای نمایندگان کنفدراسیون نیز اهمیت داشت تا با یکی از فعالین جنبش کارگری ایران که قبلا برای آزادیش فعالیت کرده اند دیدار کنند، حداقل اینکه می توانستند به اطلاعاتش از اوضاع جنبش کارگری اطمینان کنند. دستگیری کارگران در اول ماه مه سقز که محمود صالحی نیز در بین آنها بود و دو روز بعد از این دیدار روی داد، با واکنش اعتراضی سریع کنفدراسیون مواجه شد. واکنش اعتراضی به دستگیری کارگران در اول ماه سقز هم در جنبش کارگری ایران (بجز هیات موسس

سندیکاهای کارگری که اعتراض به آنرا ورود به عرصه سیاسی دانستند و از آن احتراز کردند) و هم در جنبش جهانی کارگری بسیار سریع بود. انجمن کارگری جمال چراغ ویسی با يك اطلاع رسانی موثق و سریع از وضع دستگیر شدگان، اعتصاب غذایشان و فعالیت خانواده های آنها، در ایجاد این کمپین اعتراضی نقشی فراموش نشدنی داشت. ادغام جنبش کارگری هر کشور در جنبش جهانی کارگری تاریخ خود را دارد. برای جنبش کارگری ایران آغاز پروسه این ادغام بطور مشخص، دیدار محمود صالحی با نمایندگان کنفدراسیون، دستگیری کارگران در اول ماه مه سقز، ایستادگی ستودنی آنها در زندان و اعتصاب غذایشان و همچنین تصویب قطعنامه روز کارگر در زندان سقز بود. از سوی دیگر کنفدراسیون در شرایطی با دستگیری محمود صالحی مواجه شد که نمایندگانش که با وی دیدار کرده بودند پس از ترک ایران هنوز چمدانهای خود را نیز باز نکرده بودند. پس از سالها اخبار و مسائل جنبش کارگری ایران در راس اخبار جنبش جهانی کارگری قرار گرفت. پس از اول ماه مه سقز، عکس العمل های فوری و قاطع که تشکلهای کارگری جهانی به مسائل متعدد جنبش کارگری ایران نشان داده اند، نشانه های این ادغام است. ادغام کامل جنبش کارگری ایران در جنبش کارگری جهانی يك عامل اساسی و مهم و يك دستاورد تاریخی برای طبقه کارگر ایران است. این ادغام جنبش کارگری ایران را در مبارزه برای مطالباتش و ایجاد تشکلهای يك گام اساسی به جلو رانده است. باید این دستاورد را حفظ کرد.

نزول شوراهای اسلامی

با پیشروی جنبش کارگری، خانه کارگر و شوراهای اسلامی که از موانع دولتی علیه جنبش کارگری هستند دانما روبه نزول رفته اند. خانه کارگر و شوراهای اسلامی هیچگاه توسط جنبش کارگری ایران پذیرفته نشدند. آنها قبلا حمایت یکپارچه رژیم اسلامی را با خود داشتند که آنرا از دست داده اند. اکنون رژیم اسلامی در حمایت از شوراهای اسلامی یکپارچه نیست. از اول ماه مه سال قبل تاکنون چندین واقعه علیه شوراهای اسلامی عمل کرده است. شوراهای اسلامی که در توافقنامه اول سازمان جهانی کار با وزارت کار تا حد تشکلهای مشورتی که نمایندگی کارگران را بعهده ندارند نزول کردند، با توافقنامه دوم بعنوان تشکلهای کارگری ایران برسمیت شناخته شدند البته با تغییراتی در قانون تشکیلشان. دعوت از نمایندگان کنفدراسیون جهانی اتحادیه های آزاد کارگری در حول و حوش اول ماه مه ۱۳۸۳ تلاشی بود برای یافتن حامیانی در جنبش جهانی کارگری. با وقایع روز کارگر سقز دیدار نمایندگان کنفدراسیون از ایران به نفع جنبش کارگری ایران تمام شد و نه شوراهای اسلامی. آگاهی به اینکه شوراهای اسلامی تشکل کارگری نیستند و کارگران ایران فاقد تشکل هستند از مرزهای ایران گذشت و تشکلهای کارگری در دیگر کشورها نیز وسیعا از آن مطلع شدند. روز کارگر امسال، ۱۳۸۴، نیز مانند روز کارگر سال قبل برای شوراهای اسلامی نحس بود. اگر تلاش سال گذشته شوراهای

پیشرویه‌های جنبش کارگری ایران...

اسلامی برای یافتن حامیانی در خارج از ایران با شکست روبرو شد تلاش امسالشان نیز برای خود شیرینی نزد ولی نعمتشان به یک رسوایی تمام عیار تبدیل شد. دوران بی‌کارسازیها در زمان رفسنجانی یکی از سیاه‌ترین دوران حیات طبقه کارگر است. در این دوران خانه کارگر و شوراهای اسلامی به اجرای سیاستهای اقتصادی فلاکت بار رفسنجانی کمک کردند. جنبش کارگری ایران هیچگاه نقش این ضد کارگران را در دوران بازخریدهای اجباری و اخراجهای وسیع فراموش نخواهد کرد، سیاستهایی که فجایع بیشماری در زندگی کارگران ایران بوجود آورد. به اعتراف خودشان این دوران "عزت و شرف" شوراهای اسلامی بوده است و آنها با حمایت از رفسنجانی می‌کوشند تا یکبار دیگر این دوران را تکرار کنند. خانه کارگر در زمره اولین جریاناتی است که اجلاس برگزار کردند و رسماً از کاندیداتوری رفسنجانی حمایت کردند و از آن زمان تاکنون ستاد انتخاباتی وی در بین طبقه کارگر بوده‌اند. مراسم روز کارگر شوراهای اسلامی در تهران قرار بود اوج خدمت به اربابشان باشد. شوراهای اسلامی با اعتراض وسیع کارگران روبرو شدند،

رفسنجانی در میانه راه از آمدن به استادیوم ۱۲ هزار نفری منصرف شد و شوراهای اسلامی حتی نزد ولی نعمتشان هم رسوا شدند. سیر نزولی شوراهای اسلامی با حمله آنها به کارگران شرکت واحد تکمیل شد و ماهیت واقعی آنها را نزد تشکلهای کارگری جهانی نیز آشکار کرد. حمله اوباشان و چاقوکشان خانه کارگر به کارگران شرکت واحد که در محل سندیکای کارگران خباز تهران بودند برای نسل جدید طبقه کارگر ایران بسیار با اهمیت است. این نسل که بعد دهه ۶۰ به کارخانجات آمده‌اند هیچگاه خود شاهد رفتار این چاقوکشان و اوباش علیه شوراهای کارگری و فعالین کارگر نبوده است. با این واقعه، نسل جدید طبقه کارگر بهتر می‌تواند به علت کینه و نفرت بی‌پایان نسل قبل از خود از شوراهای اسلامی پی ببرد. به همین روش بود که اوباشان چاقوکشی نظیر کمالی وزیر کار سابق، محجوب و صادقی و پنجگی در دهه ۶۰ فعالین کارگری را مضروب و دستگیر می‌کردند و برای شکنجه و اعدام تحویل برادران پاسدارشان میدانند. اما امروزه همین چاقوکش صادقی که خود رهبری حمله به کارگران شرکت واحد را بعهدده داشته و آنها در پناه نیروهای انتظامی تحت امر خامنه‌ای، در ابتدا و بزذلانه منکر حضور خود در محل جرم و جنایت شد. انعکاس وسیع و جهانی ضرب و شتم کارگران شرکت واحد توسط گله اوباش خانه کارگر باید مبنایی برای بیرون راندن آنها و تمامی افراد منتسب به آنها از مجامع کارگری خارج از

ایران شود و بعلاوه باید دلیلی گردد برای عدم دعوت از آنها برای جلسات کارگری در خارج ایران. هم طبقه کارگر ایران و هم خود شوراهای اسلامی بویژه با جنایت اخیرشان حجت را بر همه تمام کرده‌اند که خانه کارگر و شوراهای اسلامی به تنها جریاتی که هیچ ربطی ندارند طبقه کارگر و جنبش کارگری ایران است.

اول ماه مه

برگزاری مراسم اول ماه مه در دو سال گذشته رو به پیش بوده است. اگر تا چند سال قبل تنها مراسم روز کارگر، مراسم دولتی بود از سال ۱۳۸۳، همه آنچه که با دستگیری کارگران سفز روی داد، خواست برگزاری مراسم غیر دولتی را همگانی کرد. پیشرفت‌های جنبش کارگری ایران برای برگزاری مراسم روز کارگر بگونه‌ای بوده است که امسال مراسم مرکزی خانه کارگر برگزار نشد اما مراسم غیر دولتی روز کارگر بسیار متنوع و با قطعنامه‌های گوناگون برگزار شد. بررسی قطعنامه‌های مختلف مراسم امسال را باید به فرصت دیگری واگذاشت. حتماً باید به روی آوری بخشهایی از دانشجویان به طبقه کارگر اشاره کرد که خود را در اطلاعیه‌ها و یا ویژه‌نامه‌های نشریات دانشجویی به مناسبت روز کارگر متبلور کرده بود.

شکل کارگری

تنها نیاز دیرینه طبقه کارگر

پیش روی فراتر از این، به روشن شدن استراتژی جنبش کارگری برای ایجاد تشکل بستگی مستقیم دارد. تا زمانی که یک استراتژی معین دست بالا نیابد و مورد اقبال عمومی در جنبش کارگری قرار نگیرد، فعالیتی کارساز و همه‌جانبه و عمومی برای ایجاد تشکل انجام نخواهد شد.

فعالین جنبش کارگری

طی یکسال گذشته جنبش کارگری ایران دهها فعال خود را به جلوی صحنه آورده است و این یکی از دستاوردهای مهم این دوره است. البته محمود صالحی در جنبش کارگری جهانی نیز شناخته شده است. باید امیدوار بود که این روند همچنان ادامه و گسترش یابد. طبعاً جنبش کارگری پر قدرت بدون رهبران و فعالین علنی که هم برای خود طبقه کارگر و هم برای جامعه شناخته شده باشند غیر قابل تصور است.

“خانه کارگر” و “شوراهای اسلامی” منحل باید گردند!

مزد برابر در ازاء کار برابر برای زن و مرد

مناسبات بورژوازی باعث شده که در تقسیمات کار، زنان کارگر در شرایط یکسانی با مردان قرار نگیرند و لاجرم دستمزد پایین تری به آنها تعلق گیرد. میانگین دستمزد زنان در تمام کشورهای دنیا از میانگین دستمزد مردان پایین تر است. میزان تفاوت دستمزدها در اقصی نقاط جهان بستگی به درجه شکل و آگاهی طبقه کارگر به منافع طبقاتی دارد. کارگران، در کشورهای که برای احقاق مطالباتشان به تشکلهای کارگری اتکاء دارند با توسل به سلاح تشکل برای افزایش دستمزد، سرمایه داران را مجبور کرده اند مطالبه " مزد برابر در ازاء کار برابر" را برسمیت بشناسند. مبارزات طبقه کارگر فاکتور مهمی است که در طول بیش از یک قرن باعث شده که مطالبه " مزد برابر در ازاء کار برابر" در کشورهای پیشرفته سرمایه داری و برخی کشورهای در حال توسعه به بورژوازی تحمیل شود. در بسیاری موارد که بورژوازی با عدم تحمیل این امر مواجه شده، براحتی از آن سربازده است.

به علت رشد اقتصادی سریع و قابل توجهی که امروزه در کشورهای آسیایی صورت میگیرد، شاید بتوان به صورت کنکرت تری به بعضی کشورها از جمله هنگ کنگ، تایوان، کره، مالزی،... اشاره نمود. رشد اقتصادی این کشورها سه برابر رشد

اقتصادی کشورهای صنعتی تخمین زده شده است. این آهنگ سریع رشد اقتصادی از قبل استنثار نیروی کار ارزان ممکن شده است. در این کشورها نیروی کار زنان بخش بزرگی را در بازار کار تشکیل میدهد. شکوفایی سرمایه داری بر مبنای استنثار نیروی کار ارزان زن به این معنا است که زنان در برابر استنثار و ستم سرمایه داری کم حقوق تر و بید فاع ترند و زنان و مردان کارگر از یک اتحاد مشترک طبقاتی برای تحقق برابری برخوردار نیستند.

در مجموعه ای از این کشورها فعالیتهای اقتصادی بر محور صادرات است و تولیدات صادراتی بالاترین رقم سودآوری را برای سرمایه داران رقم میزنند. بیشتر کارگران تولید کننده این اجناس زن میباشند. در کشورهای کارانبی تمام کارگران کارخانه های تولید صادراتی زن هستند، در تایوان، مالزی، باربادوس، سری لانکا و اندونزی بین ۸۰٪ تا ۹۰٪ کارگران را زنان تشکیل میدهند، در کارخانجات تولید لباس ۷۵٪ کارگران زنان هستند، در واحدهای تولیدی که دستگاههای الکترونی میسازند زنان بین ۸۰٪ تا ۹۰٪ کارگران را تشکیل میدهند.* (آمار و ارقام از ماهنامه اوری وومن نوشته: کیت دوسلین کورت.)

کالاهای تولید شده توسط زنان از دو جنبه برای صاحبان سرمایه سودآوری دارد و مقرون بصرفه است. اول اینکه اینها کالاهایی هستند که برای تولیدشان کار زیادی صرف می شود، همچنین در کشورهای جهان سوم مزد کارگر کمتر از

کشورهای صنعتی است. دوما دستمزد کارگران زن از دستمزد کارگران مرد پایین تر است. به گفته سوزان جوکیز یکی از محققین موسسه مطالعات توسعه اقتصادی " دستمزد زنان دوسوم مردان است. " جوکیز در گزارشی که برای دفتر توسعه سازمان ملل متحد تهیه کرده است، می گوید " یکی از موفقیت های چشمگیر کشورهای در حال توسعه که محصولات تولیدی آنها صادر میشود، ناشی از دستمزد ارزان زنان است که در مقایسه با استادارهای بین المللی بسیار پایین است. " در بعضی از کشورهای دیگر دستمزد کارگران زن بطور غیر قابل تصویری پایین است، در هند، ویتنام،...میزان حقوق کارگران زن لباس دوزی یک بیستم دستمزد کارگران مشابه در کشوری مثل انگلیس است. با این تفاوت که شرایط کارهم در آن کشورها بمراتب وحشتناکتر از کشور انگلیس می باشد. اما زنان ناچارند این کارها را بپذیرند. جوکیز یک گزارش از کارخانه امریکایی تهیه توپ بیس بال در تاهیتی میدهد او می گوید " در این کارخانه کارگران با آوردن نیمکت و چهارپایه خودشان تمام روز بطور نشسته نخ های زبر و زمخت را با دست بشکل یک توپ سفت به هم می پیچند و سپس رویه چرمی آن را می دوزند جوکیز اشاره می کند " که همه آنها دستهای پینه بسته دارند. " * (نقل قولها از: ماهنامه اوری وومن نوشته: کیت دوسلین کورت.)

در حالیکه زنان کارگر در کشورهای پیشرفته با اتکاء به حق تشکل و مبارزات حق طلبانه، با طرح خواسته ها و مطالباتشان توانسته اند دستاوردهائی کسب نمایند و

موقعیتشان را تا حدودی بهبود بخشند، در کشورهای در حال توسعه وضع اسفناک است. اگر بخواهیم مشخصا به وضع طبقه کارگر ایران اشاره نمایم بعلت حاکمیت سیاه سرمایه جمهوری اسلامی و سرکوب شدید، کارگران در امر تشکلی تشکلهای واقعی اشان، از بهبود بخشیدن به شرایطشان محروم بوده اند، در چنین جامعه ای که پایه ای ترین حقوق و خواسته های انسان به شدید ترین شکلی سرکوب می گردد و زنان بعنوان نیمی از جمعیت جامعه از بیحقوقی کامل رنج می برند، استنثار زنان به عنوان نیروی کار ارزان ابعاد و عمق بیشتری بخود می گیرد. زنان مجبور به کار در رشته هایی می شوند که اصولا هیچ قانونی بر آن حاکم نیست و کارفرمایان آسانتر آنها را استخدام می کنند (بخش بیشتر زنان کارگر در کارگاههای تولیدی و کوره پزخانه ها کار میکنند، که هر دوی اینها مشقت بار ترین شرایط و کمترین دستمزدها را دارند.)

در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی و مناسبات سرمایه داری زنان هر روز به گونه ایی از عرصه فعالیتهای اجتماعی دور می شوند، روزی با بستن در کارگاههای کوچک روانه خانه میشوند و دیگر روز به بهانه کمبود مواد اولیه و پانین آمدن تولید در کارخانه های بزرگ اخراج می گردند، و اولین اخراجیها شامل مادرانی می شود که دارای فرزندان شیرخوارگاهی و مهد کودکی هستند. مدیریت کارخانه ها با کاهش دادن هزینه مهد کودکی اولین قربانیان بیکارسازیها رازنان قرار داده است.

مزد برابر در ازاء کار برابر برای زن و مرد

چه سرنوشتی با بیکارشدن زنان در انتظار آنها قرار میگیرد، و چه کسی مسئولیت مصائب ناشی از آنرا به عهده خواهد گرفت؟ راندن زنان کارگر به کنج خانه یک عامل مهم کاهش معیشت و تقلیل سطح زندگی کارگران میباشد. آنها به معنایی حق حیات و هویت اجتماعشان را از دست داده و از اولیه ترین حقوق شهروندی محروم می شوند. حتی بیمه بیکاری به آنها تعلق نمی گیرد. زنان کارگر اخراجی از کارخانه های بزرگ ناگزیرند به کارهای پانین و دشوار جامعه از جمله کار خانگی، کار در کارگاههای بافندگی، خیاطخانه ها، کارهای بسته بندی و کوره پزخانه ها روی بیاورند. وحشیانه ترین شیوه استثمار را می توان در اینگونه مشاغل مشاهده نمود. کارگران از بیمه اجتماعی برخوردار نیستند، کار کنتراتی است، دستمزدها به شدت پایین است، مهد کودک و شیرخوارگاه موجود نیست. مبنای رقابت شدید بین کارگران است. استانداردهای مشخصی برای ارزیابی تساوی کار موجود نیست. اتحاد و همبستگی بین کارگران، کمتر وجود دارد. این نوع استثمار وحشیانه زنان با دستمزدهای پایین باعث شده سرمایه داران از این فرصت استفاده نمایند و دستمزد بقیه بخشهای طبقه کارگر را هم تقلیل دهند. در این دوره ننگین حکومت سرمایه جمهوری اسلامی ما شاهد بیکارسازی کارگران زن، در چند نوبت و در سطح وسیعی، از کارخانجات بزرگ از جمله کفش ملی- پارس الکتریک- داروپخش- مینو- جوراب آسیا و... بوده ایم. با تحمیل

بیکاری اجباری بنام تعدیل نیروی کار به کارگران زن، زندگی مشقت باری به آنها تحمیل نموده اند. زنان بیکار شده با تورم سرسام آوری که در ایران موجود است با فقر و فلاکت شدیدی دست بگریبانند. اکثر آنها خواهان بازگشت به سر کار هستند و معتقدند که با از دست دادن شغلایشان ضمن متحمل شدن بار سنگین هزینه زندگی، از کلیه فعالیتهای اجتماعی محروم شده و استقلال اقتصادی و فکری اشان را از دست داده اند، آنها شاغل بودن و حضور داشتن در صحنه اجتماعی را حق مسلم خود می دانند و بر این عقیده اند از این طریق بهتر می توانند اتحاد و همبستگی اشان را با هم طبقه ای هایشان حفظ کرده و به اعتراض و مبارزه حول خواسته ها و مطالباتشان بر علیه کارفرماها و سرمایه داران بپردازند. در شرایطی که کارگران فاقد هر گونه شکل و سازمانیایی هستند، این بیکارسازیها باعث پراکندگی بیشتر صفوف کارگران بویژه صف کارگران زن و مرد از هم می شود. آنها بیکارسازی کارگران را یکی از عامل های اساسی پراکندگی صفوف کارگران و درهم شکستن مقاومت آنها بر علیه کارفرماها می دانند.

با خانه نشین شدن زنان، کار خانگی " شغل " آنان محسوب میشود، بدون اینکه این بعنوان شغل واقعی تلقی گردد. سرمایه داری از کار خانگی آنها استفاده نموده و

هیچگونه دستمزدی در قبال آن پرداخت نمی کند. کار خانگی اساس و پایه اقتصادی استثمار زنان است. چرا کار خانگی را فقط باید کار زنان دانست و چرا زنان باید بیکار باشند؟ زنان هیچگونه مسئولیتی در بیکار شدن خود ندارند، این مناسبات نابرابر جامعه سرمایه داری است که به آنها اجازه هر کاری مثل مردها را نمی دهد. در اغلب مواقع خانه نشین شدن زنان کارگر تأثیر مستقیم روی مناسبات خانوادگیشان می گذارد، پایین بودن سطح درآمدها و بالا بودن هزینه زندگی فشار زیادی را به خانواده های کارگری وارد آورده و در بسیاری موارد سبب تفرقه بین زن و مرد شده و یا باعث توسل زن به خودفروشی میشود.

تنها آلترناتیو رهایی از این فلاکت و مشقت این است که کارگران زن و مرد بطور متحد و متشکل برای بازگشت بر سر کارهای خود و سهم شدن در تولید اجتماعی مبارزه نمایند. در دستور کار خود مطالبه اجتماعی شدن کار خانگی، واگذاری پرورش اطفال به نهادها و موسساتی که از طرف جامعه اداره می شوند را خواستار شوند.

در سالهای اول بعد از قیام با تشکیل مجامع عمومی و شوراهای کارگری مطالبه " مزد برابر در ازاء کار برابر برای زن و مرد کارگر " در دستور خواستههای اساسی قرار گرفت. یورش به این دستاوردها و سرکوب

کارگران سبب شد که این در حد یک مطالبه باقی بماند، در نتیجه تغییری در وضعیت کارگران داده نشد و این خواسته مانند دهها خواسته دیگر همچنان در دستور کار کارگران قرار دارد.

بورژوازی برای ادامه حیات خود به نابرابری بین زن و مرد و تفرقه انداختن در صفوف کارگران دامن زده و آنرا بعنوان ابزار مهمی برای استثمار هر بیشتر کارگران را بکار می گیرد. تنها راه مقابله با این نابرابری تحکیم بخشیدن به وحدت طبقه کارگر است. مطالبه " مزد برابر در ازاء کار برابر " خواستی است که به کل طبقه کارگر مربوط می شود. این خواسته ایست که رفرمیسم در جنبش کارگری نمیتواند به آن گردن گذارد چرا که خود بر تفکیک منافع بخشهای مختلف طبقه کارگر و امتیاز برخی از آنها بر دیگران استوار است. تحقق این خواسته در گرو مبارزه طبقاتی کارگران، با اتکاء به تشکلهایی است که منافع کل طبقه کارگر را نمایندگی میکنند. همچنین بمیدان آمدن توده های کارگر زن و مرد به مثابه یک طبقه، شرط پیروزی مبارزه ایست که گرایش سوسیالیستی در جنبش کارگری ایران برای ایجاد تشکلهای طبقاتی در پیش گرفته است. نتیجه اینکه تحقق مطالبه " مزد برابر در ازاء کار برابر " به تشکل متکی بر منافع طبقه کارگر در کلیت آن یعنی تشکل طبقاتی نیاز دارد، و این تشکلهای بنوبه خود با تجمع کارگران حول چنین مطالبات فراگیری بسمت توده ای شدن پیش میروند.*

گرایش راست جنبش کارگری در سطح جهانی...

در این چند سال گذشته تمامی تغییرات که دولتهای سوسیال دمکرات با کمک و یاری اتحادیه های رفرمیست به پیش برده اند چیزی جز بازپس گیری و محدود کردن حقوق و امکانات کارگری نبوده است. هیچ کدام از جریانات راست و لیبرال به چنین شکل مطلوبی برای بورژوازی نمیتوانستند حمله به امنیت شغلی، کم کردن سطح دستمزدها و نیز باز پس گیری رفاه و بیمه های اجتماعی را به پیش برند.

فعالین کارگری چپ در سطح کلوبها و محلهای کار تلاش فراوانی کردند تا تحمیل شرایط بدتر و بازپس گیری حقوق قانونی کارگران، در سطح سیاسی به ضرر دولت و تمامی رفرمیستهای درون

طبقه تمام شود.

بعد از سالها نفوذ سیاستها و استراتژی سوسیال دمکراتیک و لیبرال در اتحادیه ها به نظر می آید که فعالین زیادی به طرد این سیاستها پرداخته و در پی ایده و روشهای کاری دیگری می باشند. آنها میکوشند تا قدرت مقابله و تغییر را کسب کنند. گرایش راست در میان جمع وسیعی از فعالین کارگری بی اعتبار شده و احزاب سوسیال دمکرات با مشکلات بمراتب جدیتری روبرو میباشند.

اما تا زمانی که گرایش چپ جنبش کارگری نتوانسته است سازمانها و نهادهای کارگری را از زیر نفوذ گرایش راست

و رفرمیسم درون اتحادیه کارگری بدر آورد و نیز احزاب مورد نیاز خود را تشکیل دهد، گرایش راست جنبش کارگری و احزابش، با سیاست سازش و همکاری طبقاتی، دست بالا را در این جنبش خواهد داشت.

تا آنجا که به جنبش کارگری در ایران برمیگردد، فعالین گرایش چپ جنبش کارگری می بایست با نگاهی عمیقتر به وضعیت جنبش کارگری در سطح جهانی و با توجه به تجارب بدست آمده تا به امروز بکوشند تا سازمانهای کارگری مبارز و با نفوذ را پی ریزی کنند. برای سازمانهای کارگری ضروری است که قدرت تغییر در وضعیت کل طبقه کارگر را

دارا شوند. استراتژی گرایش چپ جنبش کارگری دفاع از منافع جنبش کارگری در تمامی سطوح است. باید بتوان توازن قوا را به نفع جنبش کارگری تغییر داد. در عمل و نظر باید بتوان در مقابل طبقه سرمایه دار متحد و سازمانیافته ایستاد. وحدت واقعی و لازم طبقه کارگر در مسیر مبارزه برای کسب و تضمین حق و حقوق اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بدست می آید. این مبارزه برای کل طبقه کارگر و اکثریت جامعه انسانی نفع دارد. منافع صاحبان سرمایه و کارفرمایان در عمل درمقابل و در تضاد با این استراتژی است.*

۱۰ خرداد ۱۳۸۴

فراخوان بین المللی تجمع اعتراضی در حمایت از کارگران ایران - ژنو جلوی مقرآی ال او

کارگران مواجه شد. در ماه مه امسال نیز کارگران مبارز ایرانی بصورت خود جوش راهپیمایی برپا نمود که نیروهای سرکوبگر رژیم در عین عجز و ناتوانی اقدام به عکسبرداری از آنان نموده تا در آینده به سرکوب آنان بپردازند.

در همین رابطه در تاریخ ۹ / ۵ / ۲۰۰۵ مزدور حسن صادقی رئیس شورای اسلامی کاروهمپالکی هایش نقاب از چهره کنار گذاشته و با حمله به سندیکا در حال تاسیس کارگران شرکت واحد (اتوبوس رانی) بایریدن زبان و مجروح نمودن نماینده کارگران، مزدوری خود را به سرمایه داران حکومت اسلامی بار دیگر بنمایش گذاشتند. و این درحالیست که حرکت رو به جلو کارگران

وزحمتکشان ایران ادامه دارد و در آینده ای نزدیک شاهد تحولات کیفی در این روند خواهیم بود. بدین جهت ما در تاریخ ۱۴ یونی در زمان رسیدگی برونده کارگری ایران با تمام قوا در آنجا حضور خواهیم یافت تا اعلام کنیم که هیت نمایندگی جمهوری اسلامی نماینده کارگران وزحمتکشان ایرانی نیستند و ای ال او حق ندارد آنان را بعنوان نمایندگان زحمتکشان ایران برسمیت بشناسد. ما در این تجمع شعار دفاع از تشکل مستقل کارگران را سر خواهیم داد و همچنین جنایات بی شمار حکومت اسلامی را افشاء نموده و خواهان تحریم انتخابات فرمایشی ریاست جمهوری و

سرنگونی فوری جمهوری اسلامی توسط کارگران وزحمتکشان و ازادبخوانان ایران خواهیم شد. در این تجمع همچنین به ای ال او (سازمان جهانی کار) خواهیم گفت که تمام قوانین کار جمهوری اسلامی در ضدیت کامل با کارگران وزحمتکشان ایران است. کارگران، معلمین، پرستاران و کلیه مزدبگیران در بیحقوقی کامل بسر میبرند.

بدینوسیله ما از کلیه فعالین و تشکل های سیاسی مدافع کارگران وزحمتکشان دعوت میکنیم بصورت فعالانه از سراسر اروپا، کانادا، امریکا در این مراسم شرکت نموده

وبه جهانیان نشان دهیم درمقابل حکومت جمهوری اسلامی میتوان متحدانه عمل کرد. کلیه اعلام پشتیبانی احزاب و سازمانها و نهاد های ازادبخوا در روز مراسم قرانت خواهد شد.*

جهت هماهنگی لازم

میتوانید با تلفن

۰۰۴۱۷۶۵۱۶۱۸۶۶ تم

اس گرفته یا به ایمل

ادرس

kargar_1357@yahoo.de

میل بزنید.

جمعی از کارگران پیشرو تبعیدی در سوئیس / اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران ایران - سوئی

هراس و ترس؟ هدف این است

و تحویل مقامات امنیتی می دهیم، یا سر از چاههای تاریکی که پایگاه گواتاناما نامیده می شود، در می آری. مواظب خودت باش، سر از پا خطا نه کنی، ها! اگر در این مورد فاکت می خواهید، می توانید به کتاب میخائیل راتنر سخنگوی مرکز قانون اساسی مراجعه کنید.

اما این وحشت آفرینی باید به خوبی طبقه بندی گردد. آن انسانهایی که هدف این هراس و ترس هستند، باید که به خوبی از این ترس آگاه گردند و عاقبت خود را بدانند ولی نه آن قدر که تقاضای اجرای عدالت کنند. این به ما کمک می کند، به فهمیم که چرا وزارت جنگ (پنتاگون) انتشار یک سری از گزارشات مخاطره آمیز را، در مورد زندانیان زندان گواتاناما آزاد می گذارد، بعنوان مثال عکس زندانیان را در قفس، همزمان کوشش و سعی زیادی به خرج می دهد تا عکس هایی، همچون عکس های زندانیان شکنجه شده

زندان ابوغریب در عراق بر ملا نشوند. و هم چنین این به ما می فهماند که چرا پنتاگون کتاب تازه ای از مترجم نظامی سابق خود در زندان مخوف گواتاناما را تأیید می کند باضافه آن بخشی که چطور زندانیان را تحقیر جنسی می کنند، اما به محض این که، او شروع می کند که نقش سگهای شکاری را نشان دهد، به او اجازه داده نمی شود. این نوع اطلاعات استراتژیک به بیرون رخنه کرده به همراه واقعیت هایی که بوسیله مقامات رسمی تکذیب می شود، یک آگاهی عمومی به وجود می آورد، که در مورد آرژانتین بوجود آورد. آگاهی که به آن گفته می شد دانستن نا دانستیها،

این سرخ "جنگ کثیفی" بود که در آرژانتین جاری کردند. "جاسوسان سازمانهای امنیتی منافعشان ایجاب می کند که استفاده کردن از این متدهای غیرقانونی مخفی بماند" این را جمیل جعفر مسئول سازمان دفاع از حقوق شهروندان آمریکا می گوید. "از طرف دیگر این هم غیرقابل انکار است که زمانی که این جاسوسان و شکنجه گران سازمانهای امنیتی از تحویل دادن و شکنجه، بعنوان وسیله ایجاد ترس و وحشت استفاده می کنند، آشکار شدن این مسائل به شهروندان و انسانهای عادی در جامعه این برداشت را می دهد که جاسوسان در مواقع لازم با کمال میل حاضر به زیرپا گذاشتن و مبارزه بر علیه هر نوع قانونی هستند. آنها از این که انسانها تهدید را درک کنند و به فهمند که شکنجه باور کردنی است، فایده می برند."

و تهدید درک شده است. در نوشته ای از سازمان مرکز حفاظت از حقوق شهروندی در آمریکا دریک اعتراضیه حقوقی به قسمت ۲۱۵ از قانون میهن پرستانه به قلم ناضیه حسن سخنگوی انجمن مسلمانان در آن آرپور میشیگان، به نام هوای تازه، نوشته می شود که تعداد اعضای این انجمن و شرکت کنندگان در جلسات به طرز خیلی شدیدی پایین آمده است. اعضای رهبری استعفا داده اند. ناضیه حسن یاد آوری می کند که اعضای انجمن او حاضر به هر کاری هستند که اسامی آنها از لیست اعضای انجمن حذف شود. شهادتی که نمی خواهند نام شان فاش شود، می گویند " زیرا که

آنها مایل نیستند که توجه دیگران را به خود جلب کنند. این است هدف مهم شکنجه: تروریزه کند یعنی ترس بیآفرینند. نه فقط آنها را که در قفسهای پایگاه گواتانامو و سلولهای انفرادی سوریه، بلکه از آن مهمتر گروههای بزرگی از انسانهای معمولی جامعه که در معرض شنیدن چنین اخباری قرار می گیرند. شکنجه متدی است که انسانها را در هم می کوید و فکر و عمل مقاومت را از انسان می گیرد. هم خواست مقاومت از آن زندانی تنها را می گیرد و هم خواست مقاومت از جانب گروههای بزرگ اجتماعی واراده مقاومت مشترک را.

همچنین. این یک نظریه جدال آمیز نیست. در سال ۲۰۰۱ سازمان آمریکایی غیر انتفاعی (پزشکان برای حقوق انسان) یک برنامه ی درمانی برای کسانی که مورد شکنجه قرار گرفته بودند را به چاپ رساند. این نوشته براین متمرکز شد که: اغلب هدف غایی شکنجه را اقرار گرفتن از متهم زندانی شده و دادن اطلاعات ذکر می کنند، در صورتی که این نگاه به شکنجه هدف اصلی شکنجه را پنهان می کند. "هدف اصلی شکنجه غیر انسانی نمودن قربانی شکنجه است و نه اطلاعات جمع آوری کردن و یا اقرار گرفتن، خواست و تمایلات انسانی قربانی را لگد مال کردن، و در عین حال شرایط را برای کسانی که با قربانی در تماس خواهند بود وحشتناک نمودن است. با این شیوه شکنجه قادر است که گرایش با هم بودن و آرزوی های مشترک را در هم □ گروههای بزرگ جامعه در هم بکوبد و ارزشهای انسانی

قربانیان را در هم بشکنند و لگد مال نماید. انسان ها به جای تمایل با هم بودن، آرزوی از هم گریختن را داشته باشند. این است هدف واقعی شکنجه. با وجود این دانش رسمی شده در جامعه آمریکایی، باز هم کوشش می شود و بحث فراوانی می کنند که شکنجه را فقط یک شیوه غیرانسانی برای گرفتن اطلاعات از قربانیان جلوه دهند، نه این که یک آلت وحشت آفرینی عمومی. اما برای این نگاه یعنی گرفتن اقرار یک مشکل وجود دارد: هیچ مدرکی دال بر این که شکنجه یک وسیله مناسب در رابطه با باز پرسسی است، وجود ندارد. خیلی کم، انسانی پیدا می شود که این طور فکر کند که "شکنجه" کاربرد خوبی در رابطه با گرفتن و جمع آوری نمودن اطلاعات دارد، متدهای بهتر دیگری وجود دارند که از زندانی اقرار بتوان گرفت. " این را رئیس سیا به نام پورتر گوس در حضور کمیته امنیتی سنای آمریکا در ۱۶ فوریه بر ملا کرد. اخیرا یکی از کارمندان اف بی آی که از زندانیان پایگاه گواتانامو بازجویی کرده است، علنی کرده است که شدیدترین شکنجه ها و شیوه های اجباری در رابطه با اطلاعات گرفتن نتوانسته است به اندازه شیوه های خیلی ساده بازجویی مفید باشد. خود بازپرسان و قضات نظامی هم این عقیده را در رابطه با کاربرد خشونت دارند و می گویند که " در این نوع موقعیت ها بازجو شونده، آنچه را که بازجو کننده می خواهد بشنود، می گوید. "

با این همه خشونت و اعمال خشن ادامه می یابد - ازبکستان بعنوان آخرین نمونه برای تحویل گرفتن

متهمان ضرب و شتم کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی در اجلاسیه سالانه ILO

محمود صالحی

خبرگزاری کار ایران تحت عنوان "هیات عالیرتبه کارگری ایران به ژنو رفت" خبر از مسافرت یک هیات از طرف خانه کارگر و شوراهای اسلامی برای شرکت در اجلاس سالانه سازمان جهانی کار داده است. کارگران ایران تشکل ندارند و به این اعتبار نماینده ای هم به اجلاس سالانه سازمان جهانی کار اعزام نکرده اند. این موضوع را فعالین جنبش کارگری ایران همواره اعلام کرده اند و دارد به آگاهی عمومی جنبش کارگری جهانی نیز تبدیل میشود. اما ترکیب هیات اعزامی امسال به دلیل وجود

دو نفر در آن یک ویژگی خاص دارد. حسن صادقی دبیر کانون عالی شوراهای اسلامی کار و پرویز احمدی پنجکی رییس هیات مدیره کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان تهران هر دو در حمله به فعالین سندیکای کارگران شرکت واحد تهران شرکت داشته اند. حضور حسن صادقی - که روز اول کلا منکر حضور خود در محل حادثه بود - و پنجکی که هر دو با شکایت فعالین کارگری شرکت واحد اتوبوسرانی دارای پرونده در ایران هستند در اجلاس سالانه سازمان جهانی کار تنها یک دهن کجی آشکار به جنبش کارگری ایران است.

جنبش کارگری ایران به عناوین مختلف نشان داده است که شوراهای اسلامی و خانه کارگر را نمی خواهد و تازه ترین آن اعتراض کارگران در مراسم روز کارگر امسال خانه کارگر در تهران بود. نه تنها این بلکه حتی خود شوراهای اسلامی هم همیشه نشان داده اند که تشکل کارگران نیستند که آخرین آن حمله به کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران بود. الان نه تنها جنبش کارگری جهانی از خبر ضرب و شتم کارگران شرکت واحد مطلع است بلکه خود فعالین کارگری شرکت واحد هفته گذشته با مدیر کل سازمان جهانی کار در تهران

دیدار کردند و کل ماجرای ضرب و شتم خود را مستقیماً برای وی شرح دادند. به همین دلیل چون غیر کارگری بودن خانه کارگر و شوراهای اسلامی بر هیچکس پوشیده نیست شرکت آنها در اجلاس سازمان جهانی کار هیچ توجیهی ندارد و غیر قابل بخشش است. شرکت خانه کارگرها در اجلاس سازمان جهانی کار اعتباری برایشان به ارمغان نمی آورد بلکه این سازمان جهانی کار است که نزد طبقه کارگر ایران بیش از پیش اعتبارش را از دست میدهد. *

۱۱ خرداد ۱۳۸۴

فراخوان بین المللی تجمع اعتراضی در حمایت از کارگران ایران - ژنو جلوی مقرای ال او

به کلیه احزاب، سازمانها، نهادهای چپ و مترقی، انسانهای ازادخواه و مدافع طبقه کارگر

درحالی است که کارگران ایران سالهاست از هرگونه تشکل مستقل خودبراساس مقاوله نامه ۷۸ محروم بوده و اقدام برای تاسیس آن در ایران جرم محسوب شده و فعالین کارگری از این بابت مورد تعقیب و مجازات قرار میگیرند نمونه آن اقدام به راهپیمایی کارگران سقز در اول مه سال ۲۰۰۴ که با سرکوبی و دستگیری

خدمت رژیم اسلامی بوده است. ای ال او (سازمان جهانی کار) یکی از همین سازمانهای بین المللی است که شورای اسلامی کار و خانه کارگر دو نهاد ارتجاعی و ضد کارگری دست ساخت جمهوری اسلامی، را بعنوان تشکل کارگری برسمیت شناخته و بدین جهت خود را در مقابل کارگران ایران قرار داده، این

یعنی جمهوری اسلامی ایران میگذرد. این رژیم ضد بشری از بدو تاسیس، شروع به سرکوب خونین، از جمله اعدام های دستجمعی شکنجه با ابزارهای قرون وسطایی، تجاوز به زنان زندانی سیاسی، قتل روشنفکران و نویسندگان، سرکوب فاشیستی خلق های تحت ستم ایران کرد، عرب، ترک، ترکمن، لر و یلوچ، شکستن قلم ها و بریدن زبان مخالفین و در یک جمله نابودی

"ما از فراخوان زیر برای تجمع اعتراضی که روز ۱۴ ژوئن، هنگام بررسی پرونده کارگری ایران در سازمان جهانی کار، در مقابل مقر این سازمان در ژنو برگزار میشود پشتیبانی میکنیم. همچنین از همه دوستان و رفقای که میتوانند در این مکان حضور یابند دعوت میکنیم که به صفوف تظاهر کنندگان بپیوندند، تا صدای اعتراض خود را بگوش سازمان جهانی کار که نهادهای ضد کارگری جمهوری اسلامی، خانه کارگر و شوراهای اسلامی، را بعنوان تشکلهای کارگری در ایران برسمیت شناخته است برسانند، و پشتیبانی خود از کارگران ایران و مبارزات آنان بویژه مبارزه برای ایجاد تشکل های کارگری اعلام را کنند. به پیش!"

دوستان گرامی

همانگونه که اطلاع دارید حدود ۲۶ سال از عمر سراسر ننگین یکی از ارتجاعی ترین حکومتهای تاریخ بشریت

آدرسهای تماس مستقیم

با

اتحاد سوسیالیستی کارگری:

wsu@home.se

shoramarkazi@yahoo.fr

wsu-t.xarej@home.se

0046-739-397-143

شورای مرکزی:

کمیته خارج:

تلفن: